

The Nature of Present Tense in Persian

Motahareh Samari

Ph.D. Candidate, Department of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Iran

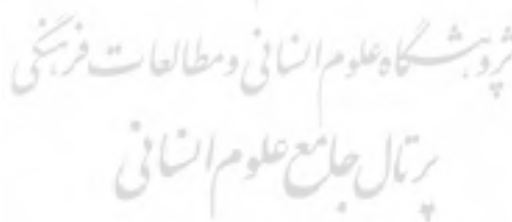
Gholamhosein Karimi-Dustan

*Professor, Department of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Iran
Corresponding author, e-mail: gh5karimi@ut.ac.ir

Abstract

The present study aims at investigating the nature of Persian present tense. To achieve this aim, the (non)indexicality of Persian present tense, the interpretation of relative and complement clauses with present-under-past and present-under-future constructions, and the absolute and relative components of Persian present tense were scrutinized. The results show that Persian cannot be considered as absolutely indexical and non-indexical. Hence, if the indexicality of the present tense of different languages is construed along a continuum with languages with indexical present tense on one extreme and languages with non-indexical present tense on the opposite extreme, Persian falls somewhere in between. Furthermore, it was revealed that Persian present tense has both relative and absolute functions. Present-under-past constructions reveal the absolute reading of Persian present tense, since the present tense, in addition to the concurrence with the matrix clause past tense, can be synchronized with utterance time (double reading). Present-under-future constructions in complement and relative clauses reveal that Persian present tense has a relative reading because, in these sentences, the embedded present tense is not required to be simultaneous with the utterance time. Finally, it was shown that the relative and absolute parts of the present tense have 'inside' meaning, meaning that the event expressed with the present tense is evaluated within time.

Keywords: Present Tense, Persian Language, (Non)Indexical, Absolute Reading, Relative Reading.



نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال یازدهم، شماره دوم، شماره ترتیبی ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶، ۱۳۹۸/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۴

صص ۶۵ - ۸۰

ماهیت زمان حال در زبان فارسی

* مطهره سامری

** غلامحسین کریمی دوستان

چکیده

پژوهش حاضر بدنبال بررسی ماهیت زمان حال در زبان فارسی است. به منظور دستیابی به این هدف، (غیر)اشاره‌ای بودن زمان حال در زبان فارسی، تعبیر زمان حال در ساختارهای مختلف از جمله ساختارهایی که در آن‌ها زمان حال در بند متممی یا موصولی زیر زمان گذشته و آینده درونه شده است، و خوانش‌های مطلق و نسبی زمان حال در زبان فارسی مورد مذاقه قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهند که زمان حال زبان فارسی را نمی‌توان مطلقاً اشاره‌ای یا غیراشاره‌ای دانست. در واقع، اگر اشاره‌ای بودن را به صورت یک طیف در نظر بگیریم که در سمت چپ آن زبان‌های اشاره‌ای و در سمت راست آن زبان‌های غیراشاره‌ای باشند، زبان فارسی در وسط قرار می‌گیرد. همچنین، نتایج مؤید وجود خوانش‌ها و کاربردهای مطلق و نسبی برای زمان حال زبان فارسی می‌باشند. ساخت‌هایی که در آن‌ها زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته درونه شده است حاکی از وجود خوانش مطلق زمان حال هستند چرا که زمان حال علاوه بر همزمانی با زمان گذشته‌ی بند پایه می‌تواند با زمانی بیان جمله نیز همزمان باشد (خوانش دوگانه). ساخت‌هایی که در آن‌ها زمان حال در بندهای موصولی و متممی زیر زمان آینده درونه شده‌اند حاکی از کاربرد نسبی زمان حال زبان فارسی می‌باشند چرا که در این جملات زمان حال ضرورتی ندارد با زمان بیان جمله همزمان باشد. سرانجام، نشان داده شد که بخش مطلق و نسبی زمان حال دارای معنای "درون" می‌باشند بدین معنا که رویداد بیان شده با زمان حال "درون" زمان ارزبایی قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: زمان حال، زبان فارسی، (غیر)اشاره‌ای، خوانش مطلق، خوانش نسبی

mt_sameri@yahoo.com

* دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

gh5karimi@ut.ac.ir

** استاد گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

Copyright©2020, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

Doi: 10.22108/jrl.2019.114753.1294

۱. مقدمه

زمان دستوری^۱، همچون وجه و نمود، از دیرباز توجه زبان‌شناسان و فیلسوفان بسیاری را به خود جلب کرده است و مطالعات متعددی در این زمینه صورت گرفته است (پارتی^۲، ۱۹۷۳؛ کامری^۳، ۱۹۸۵؛ ابوش^۴، ۱۹۹۷؛ زاگونا^۵، ۱۹۹۰؛ ۲۰۱۴؛ استول^۶، ۱۹۹۵a؛ ۱۹۹۵b؛ ۲۰۰۷؛ دیمرتاش و یوربا-اتخاریا^۷، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۷a؛ ۲۰۰۷b؛ گرون و فون استچو^۸، ۲۰۱۱؛ ۲۰۱۳). در این رابطه، زاگونا (۲۰۱۴) بر این باور است که رویکردهای موجود به زمان دستوری را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد. اولین رویکرد، رویکرد منطقی است که دیدگاه معنی‌شناسان صوری به زمان دستوری را شامل می‌شود. در این رویکرد، زمان‌های دستوری به‌عنوان عملگرهای جمله در نظر گرفته می‌شوند. در واقع، در این رویکرد به زمان دستوری که ریشه در منطق صوری دارد، زمان دستوری، زمان جدیدی را معرفی می‌کند که با زمان ارزیابی^۹ اصلی رابطه و نسبت خاصی (همچون همزمانی، قبل، یا بعد) دارد و پس از معرفی زمان جدید، این زمان جدید به‌عنوان زمان ارجاع^{۱۰} در نظر گرفته می‌شود و زمان ارزیابی اصلی حذف می‌شود. برای روشن‌تر شدن موضوع، به تعریف زمان حال در معنی‌شناسی صوری توجه کنید که در آن زمان دستوری، زمان جدیدی با نام 't' را معرفی می‌کند که با زمان ارزیابی اصلی یعنی 't' رابطه همزمانی دارد.

اگر φ یک جمله باشد، زمان حال (φ) در زمان 't' صادق است، اگر و تنها اگر زمان 't' وجود داشته باشد، به گونه‌ای که $t=t$ باشد و φ در 't' صادق باشد (انچه^{۱۱}، ۱۹۸۷: ۶۳۵).

رویکرد دوم، رویکرد ارجاعی است که در دستور زایشی به کار گرفته می‌شود. بر اساس این رویکرد زبان‌ها به زمان‌ها^{۱۲} ارجاع می‌دهند و یکی از راه‌های ارجاع به زمان، زمان دستوری است. یکی از مهمترین مفروضات این رویکرد این است که زمان‌های دستوری را ضمیرگونه تلقی می‌کند. به همین جهت مرجعی که به زمان نسبت داده می‌شود همچون مرجع ضمیر است. ویژگی دیگر این رویکرد لحاظ کردن نقش بافت نحوی در تعبیر و تفسیر زمان دستوری است. به همین جهت، در این رویکرد می‌توان توجیه کرد چرا، به‌عنوان مثال، وقتی زمان گذشته در بند متممی زیر زمان گذشته دیگری درونه شده است با وقتی که در بند موصولی زیر زمان گذشته دیگری به کار رفته است دارای معانی متفاوتی می‌باشد.

رویکرد سوم نیز در زمره رویکردهای ارجاعی قرار می‌گیرد؛ البته با این تفاوت که در این رویکرد «زمان‌ها» (نه «زمان‌های دستوری») دارای معنای ارجاعی می‌باشند (زاگونا، ۱۹۹۰؛ استول، ۱۹۹۵a؛ ۱۹۹۵b؛ دمیرداش و اتخاریا،

¹ Tense

² B. Partee

³ B. Comrie

⁴ D. Abusch

⁵ K. Zagona

⁶ T. Stowell

⁷ H. Demirdache and M. Uribe-Extebarria

⁸ A. Gronn and A. von Stechow

⁹ Evaluation time: به زمانی اشاره می‌کند که زمان‌های دیگر همچون زمان وقوع نسبت به آن سنجیده می‌شوند و قبل، بعد، و یا همزمان با آن قرار می‌گیرند.

¹⁰ Reference time

¹¹ M. Enc

¹² Times

۱۹۹۷). براساس این رویکرد، زمان دستوری گزاره‌ای مکانی-زمانی^۱ تلقی می‌شود که زمان‌ها را به‌عنوان موضوع خود انتخاب می‌کند و بین آن‌ها رابطه‌ی ترتیبی برقرار می‌کند. موضوع درونی زمان، زمان وقوع رویداد^۲ است و در متمم گره زمان قرار دارد و گره گروه فعلی را در بر می‌گیرد. موضوع بیرونی زمان که نشان دهنده‌ی زمان ارزیابی یا زمان ارجاع پنهان است، در جایگاه شاخص گره زمان تولید می‌شود. البته، در پیشینه‌ی مربوط به زمان اصطلاحات مختلفی جهت نامگذاری موضوعات زمانی به کار رفته است. به‌عنوان مثال، کلین^۳ (۱۹۹۴)، از زمان موقعیت^۴، زمان موضوع^۵، و زمان بیان^۶ جمله استفاده می‌کند. در صورتی که رایشن‌باخ^۷ (۱۹۴۷) از زمان وقوع، زمان ارجاع، و زمان بیان استفاده می‌کند. یکی دیگر از اصول این چارچوب نظری در نظر گرفتن محتوای معنایی و گزاره‌ای ذاتی برای زمان‌های دستوری می‌باشد. به بیان دقیق‌تر، بنا به نظر افرادی که طرفدار در نظر گرفتن محتوای ذاتی برای زمان‌ها هستند، زمان گذشته دارای مفهوم «بعد»، زمان حال دارای مفهوم «درون» و زمان آینده دارای مفهوم «قبل» می‌باشند. دلیل این ادعا این است که در زمان گذشته، زمان بیان جمله «بعد» از زمان وقوع عمل است، در زمان حال، زمان بیان جمله «درون» زمان وقوع عمل است، و در زمان آینده، زمان بیان جمله «قبل» از زمان وقوع عمل است. بنا برآنچه بیان شد، محتوای معنایی ذاتی زمان‌های دستوری موضوع‌های زمانی را مرتب می‌کند.

در مطالعه‌ی زمان دستوری، یکی از مسائلی که توجه فراوانی را به خود جلب کرده است مسئله‌ی ماهیت زمان حال (اگیهارا^۸، ۱۹۹۶؛ شرویت^۹، ۲۰۰۳؛ ۲۰۱۴؛ ۲۰۱۸؛ باری و آلتشولر^{۱۰}، ۲۰۱۴؛ زاگونا، ۲۰۱۴؛ آلتشولر، ۲۰۱۶ و غیره) و بررسی (غیر) اشاره‌ای^{۱۱} بودن آن است. شرویت (۲۰۰۳) به پیروی از اشلنکر^{۱۲} (۱۹۹۹؛ ۲۰۰۳) معیار اشاره‌ای بودن زمان حال را این‌گونه بیان می‌کند: اگر در زبانی زمان حال در ساختاری که در آن زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته درونه شده است، ضرورتاً به زمان بیان جمله ارجاع داشته باشد و با آن همزمان باشد، این زبان دارای زمان حال اشاره‌ای است. از آنجائیکه در زبان انگلیسی (همان‌گونه که در بخش ۲، مثال ۱ خواهیم دید) در ساختارهایی که زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته درونه شده است، درستی جمله منوط به همزمانی زمان حال بند درونه با زمان بیان جمله می‌باشد، زمان حال در زبان انگلیسی اشاره‌ای است.

مسئله‌ی دیگری که ارتباط نزدیکی با اشاره‌ای بودن زمان حال دارد معانی مطلق و نسبی^{۱۳} زمان حال می‌باشد. زمان مطلق به زمانی اشاره دارد که نسبت به زمان بیان جمله سنجیده و ارزیابی می‌شود و زمان نسبی به زمانی گفته می‌شود که نسبت به زمانی غیر از زمان بیان جمله ارزیابی و سنجیده می‌شود (استول، ۲۰۰۷؛ هاتاوا^{۱۴}، ۲۰۱۲). به‌عنوان مثال، زمان

^۱ Spatio-temporal predicates

^۲ Event time

^۳ W. Klein

^۴ Situation time

^۵ Topic time

^۶ Utterance time

^۷ H. Reichenbach

^۸ T. Ogihara

^۹ Y. Sharvit

^{۱۰} C. Bary and D. Altshuler

^{۱۱} (non)idexicality

^{۱۲} P. Schlenker

^{۱۳} Absolute and relative or dependent and independent readings

^{۱۴} G. Hatav

به کار رفته در بندهای پایه که نسبت به زمان بیان جمله سنجیده و مرتب می‌شوند، دارای خوانش مطلق و زمان به کار رفته در بندهای متممی که نسبت به زمان بند پایه سنجیده و مرتب می‌شود، دارای خوانش نسبی هستند. در زبان انگلیسی، بر سر اینکه آیا زمان حال تنها دارای خوانش مطلق است یا خیر بین زبان‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از زبان‌شناسان همچون انچه (۱۹۸۷)، اگیهارا (۱۹۹۵a؛ ۱۹۹۵b) و اگیهارا و شرویت (۲۰۱۲) بر این باورند که زمان حال دستوری در زبان انگلیسی تنها خوانش مطلق دارد و در تمامی بافت‌ها به زمان بیان ارجاع دارد و با آن همزمان است. اما، این تعریف از زمان حال زبان انگلیسی در تضاد کامل با نظر زبان‌شناسانی همچون باری و آلتشولر (۲۰۱۴) است که ادعا می‌کنند زمان حال در زبان انگلیسی مجموعه‌ای از بخش‌های مطلق و نسبی است و نمی‌توان وجود هیچ یک را انکار کرد.

در زبان فارسی مبحث زمان دستوری، و به خصوص زمان حال، چندان مورد توجه قرار نگرفته است و پژوهش‌های اندکی که در این زمینه انجام شده‌اند در چارچوب رویکردهای فوق صورت نگرفته‌اند. به‌عنوان مثال، پژوهش دستلان و همکاران (۱۳۹۴) با رویکردی شناختی صورت پذیرفته شده است، پژوهش‌های توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) و عموزاده و رضایی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه زمان دستوری و وجهیت پرداخته‌اند و کمیجانی (۱۹۹۰) جنبه‌های نحوی و معنایی زمان دستوری و وجهیت را در زبان فارسی مورد مطالعه قرار داده است.

پژوهش حاضر، با استفاده از مفروضات و اصول رویکردهای ارجاعی به زمان دستوری، در پی بررسی ماهیت زمان حال در زبان فارسی است. به منظور دستیابی به این هدف، در ابتدا با بهره‌جویی از معیار ارائه شده برای (غیر)اشاره‌ای بودن (اشلنکر، ۱۹۹۹؛ شرویت، ۲۰۰۳؛ انچه، ۱۹۸۷ و غیره) و بررسی زمان حال در بافت‌ها و ساختارهای مختلف و بررسی خوانش‌های مطلق و نسبی زمان حال زبان فارسی تلاش خواهد شد تا به بررسی این مسئله پردازیم که آیا زمان حال در زبان فارسی مثل انگلیسی کاملاً اشاره‌ای، یا برعکس، کاملاً غیراشاره‌ای است. سپس، به بررسی تعابیر زمان حال در ساختارهای مختلف و مقایسه آن در زبان‌های مختلف می‌پردازیم.

۲. (غیر)اشاره‌ای بودن زمان حال در زبان فارسی

همان‌گونه که اشاره شد، یکی از پرسش‌هایی که ذهن بسیاری از زبان‌شناسان را به خود مشغول ساخته است اشاره‌ای بودن یا نبودن زمان حال می‌باشد. بنا بر تعریف ارائه شده توسط اشلنکر (۱۹۹۹)، در برخی زبان‌ها همچون زبان انگلیسی که دارای زمان حال اشاره‌ای هستند، زمان حال در ساخت‌هایی که در آنها زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته درونه شده است ضرورتاً به زمان بیان ارجاع دارد. در واقع، تعریفی که اشلنکر از اشاره‌ای بودن زمان حال ارائه می‌دهد مبتنی بر تعریف کاپلان^۱ (۱۹۷۷) است. کاپلان بر این باور است که عناصر اشاره‌ای ضرورتاً به بافت واقعی زمان بیان جمله وابسته هستند. از آنجائیکه زمان حال در زبان انگلیسی حتی در ساخت‌هایی که در بند متممی زیر زمان گذشته درونه شده است ضرورتاً به زمان بیان ارجاع می‌دهد، می‌توان ادعا کرد که زمان حال در زبان انگلیسی اشاره‌ای است. به‌عنوان نمونه، در مثال (۱) زمان «بارداری مری» ضرورتاً با زمان بیان جمله همزمان است و در واقع، صحت و درستی این جمله در گرو همزمانی «بارداری مری» با زمان بیان جمله و زمان «گفتن» در بند پایه اسمیت^۲، ۱۹۷۸؛ هاتاوا، ۲۰۱۲؛ شرویت، ۲۰۰۳؛ زاگونا، ۲۰۰۴؛ اگیهارا و شرویت، ۲۰۱۲ و غیره). در همین راستا، انچه (۱۹۸۷) زبان‌ها را از این منظر که آیا زمان حال در

^۱ D. Kaplan

^۲ C. Smith

آن‌ها ضرورتاً به زمان بیان جمله ارجاع دارد یا خیر (یا، به بیان دیگر، اشاره‌ای هستند یا خیر) از یکدیگر متمایز می‌کند. به گفته آنچه (۱۹۸۷)، زمان حال در زبان انگلیسی ضرورتاً به زمان بیان ارجاع دارد در صورتی که زمان حال زبان روسی به زمان بیان ارجاع نمی‌کند. به همین جهت است که در زبان انگلیسی، دستوری بودن جمله‌هایی که در آنها زمان حال در بند متممی زیر یک زمان گذشته در بند پایه درونه شده است (همچون مثال ۱) منوط بر ارجاع داشتن زمان حال به کار رفته در بند متممی به زمان بیان می‌باشد. در حالی که، در زبان روسی، زمان حال به زمان بیان ارجاع ندارد و در ساخت‌هایی که زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته درونه شده است، جمله بیانگر خوانش گذشته همزمان^۱ است و ضرورتاً نباید به زمان بیان ارجاع داشته باشند. گذشته همزمان همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، به خوانشی گفته می‌شود که در آن زمان بند متممی با زمان گذشته به کار رفته در بند پایه همزمان است. آنچه (۱۹۸۷) از این ویژگی زمان حال در زبان انگلیسی تحت عنوان اشاره‌ای و از ویژگی زبان روسی با عنوان غیراشاره‌ای یاد می‌کند.

(1) John said that Mary is pregnant.

در ادامه، با توجه به تعاریف ارائه شده، به بررسی (غیر) اشاره‌ای بودن زمان حال در زبان فارسی می‌پردازیم. به منظور دستیابی به این هدف، جملات (۲-۴) به عنوان آزمون مورد مطالعه قرار می‌گیرند. از آنجائیکه در رابطه با درستی و یا نادرستی جملات (۲) و (۳) و زمان به کار رفته جهت تکمیل مثال (۴) بین گویشوران زبان فارسی اتفاق نظر وجود ندارد، ۳۲ نفر از فارسی‌زبانان مورد مصاحبه قرار گرفتند تا بر اساس شش زبانی آن‌ها اطلاعات دقیق‌تری در این زمینه کسب نماییم. لازم به ذکر است که مصاحبه‌شوندگان از شهرهای مختلف ایران انتخاب شدند اما، به منظور کنترل تاثیر زبان مادری، تلاش شد تا تنها از افرادی که زبان فارسی زبان مادری آن‌ها است مصاحبه به عمل آید. همچنین، علاوه بر «داشتن زبان فارسی به عنوان زبان مادری» که معیار اصلی برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان بود، سن و تحصیلات آن‌ها نیز در نظر گرفته شده بود به گونه‌ای که میانگین سنی آن‌ها ۲۸ سال بود و ۱۲ نفر دانشجوی دکتری، ۱۰ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد، و ۱۰ نفر دانشجوی کارشناسی بودند. بنابراین، همه مصاحبه‌شوندگان با دستور زبان فارسی آشنایی نسبی داشتند.

(۲) دو سال پیش علی گفت مریم باردار است (درست یا نادرست)

(۳) ۲۰۰۰ سال پیش یوسف فهمید که زلیخا دوستش دارد (درست یا نادرست)

(۴) مریم الان اصلاً علی را دوست ندارد اما دو سال پیش او را خیلی دوست داشت و علی فهمید که مریم همان موقع او را دوست
را دوست

قبل از پرداختن به نتایج حاصل شده از سه سوال بالا جا دارد ابتدا به بررسی فلسفه طرح سوالات فوق بپردازیم. بررسی دقیق پیشینه مربوط به (غیر) اشاره‌ای بودن زمان حال (اگیهارا و شرویت، ۲۰۱۲؛ شرویت، ۲۰۰۳؛ زاگونا، ۲۰۰۴؛ اشلنکر، ۱۹۹۹ و غیره) نشان می‌دهد در زبان‌هایی که دارای زمان حال اشاره‌ای هستند جملات اول و دوم نادرست ارزیابی می‌شود؛ در صورتی که در زبان‌هایی که دارای زمان حال غیراشاره‌ای می‌باشند، این جملات باید درست و دستوری ارزیابی شوند. در رابطه با سوال سوم، نیز در زبان‌هایی که دارای زمان حال اشاره‌ای هستند از زمان گذشته برای تکمیل جمله استفاده می‌شود، در صورتی که در زبان‌هایی که دارای زمان حال غیراشاره‌ای هستند، می‌توان از زمان حال برای

¹ Simultaneous past

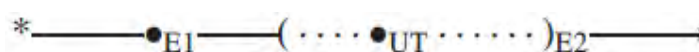
این منظور بهره جست. در ادامه، به بررسی نتیجه بدست آمده از سوالات فوق می‌پردازیم و در خلال آن دلایل گفته‌های بالا را ذکر خواهیم کرد.

نتایج مصاحبه نشان داد که ۳۱ نفر از ۳۲ مصاحبه شونده جملات اول و دوم را دستوری ارزیابی کردند و جمله سوم را با استفاده از زمان حال تکمیل کردند. نتایج فوق بیانگر غیراشاره‌ای بودن زمان حال در زبان فارسی است چرا که در صورتی که زمان حال در زبان فارسی اشاره‌ای بود و ضرورتاً نیازمند همزمانی با زمان بیان جمله بود، در جمله اول، «بارداری مریم» باید دو سال طول می‌کشید که این امر با واقعیت دوره طبیعی بارداری انسان متناقض است و موجب نادرست بودن جمله مذکور می‌شد. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که دستوری ارزیابی شدن این جمله توسط تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان حاکی از اشاره‌ای نبودن زمان حال در زبان فارسی است. به همین دلیل است که در زبان انگلیسی که، بر خلاف زبان فارسی، دارای زمان حال اشاره‌ای است معادل جمله (۲)، یعنی جمله (۵)، توسط گویشوران زبان انگلیسی نادرست و غیرعادی ارزیابی می‌شود.

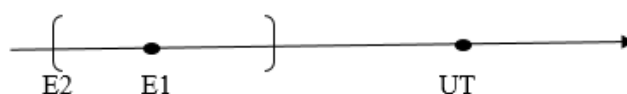
(5) *Two years ago, John said that Mary is pregnant.

در این راستا، زاگونا (۲۰۰۴)، که در پی اثبات اشاره‌ای بودن زمان حال در زبان انگلیسی است، اعتقاد دارد که در زبان انگلیسی، در ساختارهایی که در آن زمان حال در بند متممی زیر یک زمان گذشته درونه شده است (همچون جمله ۱)، ضرورتاً باید یک رابطه همپوشانی بین زمان حال بند متممی، زمان گذشته بند پایه، و زمان بیان جمله برقرار شود. بنابراین، همان‌گونه که در شکل (۱) ترسیم شده است، در توجیه نادرستی جمله (۵)، اشاره‌ای بودن زمان حال در زبان انگلیسی را پیش فرض قرار داده و بنابراین زمان حال بند درونه را با زمان بیان جمله همزمان قرار داده است. در نتیجه، نادرستی این جمله را به عدم همزمانی زمان حال به کار رفته در بند متممی (E2) با زمان گذشته بند پایه (E1) نسبت می‌دهد. به بیان دقیق‌تر، نادرستی این جمله ناشی از عدم توانایی زمان حال بند متممی در بیان همزمانی با زمان گذشته بند پایه می‌باشد. در واقع، برای درستی این جمله زمان حال بند درونه باید نه تنها باید زمان بیان جمله بلکه زمان گذشته بند پایه را در بر گیرد. در حالی که در زبان فارسی، معادل این جمله درست ارزیابی می‌شود چرا که زمان حال بند متممی با زمان گذشته بند پایه همزمان است و اصلاً با زمان بیان جمله همپوشانی ندارد که موجب اشتباه ارزیابی شدن جمله شود (شکل ۲). در واقع، درست ارزیابی شدن مثال فارسی حاکی از این است که همزمانی زمان حال بند درونه با زمان بیان (یا اشاره‌ای بودن زمان حال) به صورت پیش فرض در نظر گرفته نشده است. بنابراین، همان‌گونه که می‌توان دید، در زبان فارسی، برای زمان حال همزمانی با زمان بیان جمله به صورت پیش فرض در نظر گرفته نمی‌شود.

شکل (۱)



شکل (۲)



همچنین، درست ارزیابی شدن جمله (۳) در زبان فارسی دلیلی بر اشاره‌ای نبودن زمان حال در این زبان است. چرا که اگر زمان حال در زبان فارسی اشاره‌ای بود، ضرورتاً باید با زمان بیان جمله همزمان می‌بود و دوست داشتن زلیخا می‌بایست از ۲۰۰۰ سال پیش تا اکنون (زمان بیان جمله) ادامه می‌یافت که این با توجه به عمر طبیعی انسان غیر ممکن

است و بنابراین، جمله دوم باید غیردستوری ارزیابی می‌شد. معادل جمله مفروض در زبان انگلیسی (مثال ۶) غیردستوری است چرا که زمان حال در زبان انگلیسی اشاره‌ای است و ضرورتاً باید به زمان حال ارجاع داشته باشد. بر این اساس، همان گونه که گفته شد، زلیخا می‌بایست ۲۰۰۰ سال عمر می‌کرد که با طول عمر طبیعی انسان منافات دارد.

(6) *2000 years ago Yusuf found that Mary loves him.

سرانجام، استفاده از زمان حال در نقطه‌چین جمله (۴) نیز حاکی از اشاره‌ای نبودن زمان حال در زبان فارسی است. زیرا، با وجود اینکه در ابتدای جمله دقیقاً ذکر شده است که مریم الان علی را دوست ندارد، باز در درونی‌ترین بخش جمله از زمان حال استفاده شده است. بنابراین، می‌توان دریافت که در این جمله زمان حال برای بیان همزمانی با زمان بیان استفاده نشده است بلکه جهت بیان همزمانی با فعلی که مستقیماً آن را سازه فرمانی می‌کند (یعنی فعل «فهمیدن») به کار گرفته شده است.

علاوه بر نتایج بدست آمده از بررسی مثال‌های (۶-۲)، نوع زمان‌های به کار رفته در جملاتی که دارای بند «قبل» می‌باشند اطلاعاتی را در رابطه با اشاره‌ای بودن یا نبودن زبان فارسی در اختیار ما قرار می‌دهد. مطابق نظر شرویت (۲۰۱۴)، در زبان انگلیسی در جملاتی که دارای بند «قبل» می‌باشند، زمان حال نمی‌تواند زیر زمان گذشته درونه شود (مثال ۸) در صورتی که در ژاپنی این گونه نیست و می‌توان از زمان حال در بند دارای «قبل» که زیر زمان گذشته درونه شده است استفاده کرد. نادرست بودن چنین ساختاری در زبان انگلیسی بدلیل اشاره‌ای بودن زمان حال می‌باشد. به‌عنوان مثال، در جمله انگلیسی *I danced before John arrives** زمان «رسیدن جان» با زمان بیان جمله همزمان است و «رقصیدن من» در گذشته قبل از زمان بیان است. همان گونه که مشاهده می‌کنید، معنای این جمله تنها با استفاده از زمان‌های به کار رفته در جمله و بدون در نظر گرفتن معنای «قبل» بدست می‌آید. اما، از آنجائیکه زمان حال در ژاپنی ضرورتاً با زمان بیان همزمان نیست (و بنابراین اشاره‌ای نیست)، این مشکل در ژاپنی پیش نمی‌آید و زمان حال می‌تواند در بند دارای «قبل» که زیر زمان گذشته درونه شده است به کار رود. بر همین اساس، شرویت (۲۰۱۴) ادعا می‌کند زبان‌هایی که همچون زبان ژاپنی اجازه می‌دهند زمان حال در بند دارای «قبل» که زیر زمان گذشته درونه شده است به کار رود، دارای زمان حال غیراشاره‌ای می‌باشند. در صورتی که، در زبان‌هایی همچون زبان انگلیسی که دارای زمان حال اشاره‌ای هستند، چنین ساختارهایی غیردستوری و نادرست هستند. از آنجائی که در زبان فارسی در جملات دارای بند «قبل» می‌توان زمان حال را زیر زمان گذشته درونه کرد (مثال ۹)، می‌توان به این نتیجه رسید که زمان حال در فارسی همچون زمان حال ژاپنی اشاره‌ای نیست و به بیان دیگر، نیازی نیست ضرورتاً با زمان بیان جمله همزمان باشد.

(7) John came to the Party before Mary leaved.

(8) *John came to the party before Mary leaves.

(۹) علی مهمانی را ترک کرد قبل از اینکه من برسم (قبل از اینکه من برسم علی مهمانی را ترک کرد)

(۱۰) *قبل از اینکه من رسیدم علی مهمانی را ترک کرد.

تاکنون دلایل متعددی مبنی بر غیراشاره‌ای بودن زمان حال در زبان فارسی ارائه شد. در ادامه، به مقایسه زمان حال در زبان فارسی با زمان حال در زبان انگلیسی (اشاره‌ای) و زمان حال در زبان ژاپنی (غیراشاره‌ای) می‌پردازیم و از این رهگذر جنبه‌هایی دیگر از زمان حال زبان فارسی را به تصویر می‌کشیم.

مسئله حائز اهمیت دیگر این است که آیا زمان حال در زبان فارسی دارای کاربرد مطلق و یا نسبی می‌باشد یا خیر. همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، این مسئله از این نظر دارای اهمیت است که در برخی زبان‌ها همچون زبان انگلیسی، برسر این که آیا زمان حال دارای معنای نسبی می‌باشد یا خیر توافق نظر وجود ندارد. این نتیجه‌گیری که زمان حال در زبان فارسی دارای معنای غیراشاره‌ای است نشان دهنده این است که زمان حال در زبان فارسی دارای کاربرد نسبی می‌باشد. چرا که زمان حال نسبی زمانی است که به زمانی غیر از زمان بیان جمله ارجاع داشته باشد و همان‌گونه که در مثال‌هایی که برای نشان دادن غیراشاره‌ای بودن زمان حال در زبان فارسی به کار بسته شده بودند (رجوع کنید به مثال‌های ۲-۴) زمان حال به زمان بیان جمله ارجاع ندارد و با زمانی غیر از آن همزمان است، می‌توان ادعا کرد که این مثال‌ها وجود بخش نسبی زمان حال در زبان فارسی را نیز اثبات می‌کنند.

جدای از داده‌ها و دلایلی که برای اثبات غیراشاری بودن زمان حال آورده شد، نسبی بودن زمان حال در زبان فارسی همچنین توسط جملاتی که در آن‌ها زمان حال زیر زمان آینده در بندهای متممی و موصولی درونه شده است (به ترتیب مثال‌های (۲۳) و (۲۶)) اثبات می‌شود. زیرا در این جملات، زمان حال ضرورتی ندارد با زمان بیان جمله همزمانی داشته باشد (رجوع کنید به جدول ۳ و ۴ در بخش ۳) و تنها با زمان بند پایه همزمان است.

حال که وجود معنای نسبی زمان حال در زبان فارسی را به اثبات رساندیم، به بررسی این سوال می‌پردازیم که آیا زمان حال در زبان فارسی معنای مطلق نیز دارد؟ اولین مسئله‌ای که نشان‌دهنده مطلق بودن زمان حال در زبان فارسی است همان جملاتی هستند که در آن‌ها زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته درونه شده است و می‌تواند علاوه بر همزمانی با زمان گذشته در بند پایه، دارای خوانش دوگانه باشد و با زمان بیان نیز همزمان باشد (رجوع کنید به مثال ۱۱). دومین دلیلی که ما را به این نتیجه می‌رساند که زمان حال در زبان فارسی دارای معنای مطلق است و ممکن است با زمان بیان همزمان باشد بافت زیر است که از باری و آلتشولر (۲۰۱۴) گرفته شده است. در این بافت، مهماندار هواپیما «در طول پرواز» اعلام می‌کند وسایل مسافران دست کارمند فرودگاه است و مسافران به جای این که زمان حال بند درونه (یعنی «داشتن وسایل در طول پرواز») را نسبت به زمان ارزیابی موضعی (یعنی «گفت») بسنجند و آن دو را همزمان بدانند، آن را نسبت به زمان بیان جمله در فرودگاه می‌سنجند و «داشتن وسایل» را با زمان بیان جمله در فرودگاه همزمان می‌دانند. در واقع، مسافر در جمله «مهماندار گفت که وسایلمون دست شما است» زمان حال را به گونه‌ای استفاده کرده است که از نظر خودش و کارمند فرودگاه حال است اما از نظر مهماندار آینده است. ممکن است این مسئله مطرح شود که چون زمان حال بند درونه نسبت به زمانی در آینده سنجیده می‌شود دارای خوانش نسبی است. در این جمله شکی نیست که زمان حال بند درونه به زمان آینده ارجاع دارد اما به زمان بیان جمله در فرودگاه که در آینده است ارجاع دارد نه بعد یا قبل از آن. به بیان دیگر، مسافر زمان حال را با زمان بیان جمله در فرودگاه در آینده همزمان دانسته است نه با زمانی قبل یا بعد از آن در آینده. بنابراین، این کاربرد زمان حال کاربرد مطلق آن است. در واقع، اینکه زمان حال در جمله «مهماندار گفت که وسایلمون دست شما است»، از نظر مسافر همزمان با زمان گفتن مهماندار تعبیر نشده (یعنی به صورت نسبی تعبیر نشده است) و با زمان بیان جمله در فرودگاه همزمان برداشت شده است، نشان از کاربرد مطلق زمان حال دارد.

(۱۲)

- مسافر: ببخشید، فکر کنم وسایل من دست شما است.
- کارمند: چه کسی به شما گفت که وسایل شما دست من است؟
- مسافر: مهماندار گفت که وسایلمون دست شما است.
- کارمند: چه زمانی این رو گفت؟
- مسافر: تو پرواز

اکنون که به این نتیجه رسیدیم که زمان حال در زبان فارسی مجموعه‌ای از بخش‌های معنایی مطلق و نسبی است، در ادامه به بررسی معنای کاربرد مطلق و نسبی زمان حال در زبان فارسی می‌پردازیم. باری و آلتشولر (۲۰۱۴) بر این باورند که زمان حال در زبان انگلیسی مجموعه‌ای از بخش‌های مطلق و نسبی را در بر دارد و بخش نسبی به معنای «در» می‌باشد (بدین معنا که رویدادی که با زمان حال به تصویر کشیده شده است «در» زمان ارزیابی قرار دارد و «در» آن زمان صادق است). در صورتی که بخش مطلق دارای معنای «در» و یا «بعد» می‌باشد (بدین معنا که «در» و یا «بعد» از زمان بیان جمله قرار دارد و صادق است). در واقع، برای بخش مطلق، به جای مفهوم «حال» از مفهوم «غیر گذشته» (یعنی به جای صادق بودن «در» زمان بیان از صادق بودن «در» و یا «بعد» از زمان بیان جمله) استفاده شده است. باری و آلتشولر (۲۰۱۴) بر این باورند که تعبیر زمان حال در جمله (۱۳) آنها را به این نتیجه رسانده است که بخش مطلق زمان حال در زبان انگلیسی به جای معنای «حال» دارای معنای «غیر گذشته» می‌باشد. بنا بر نظر باری و آلتشولر (۲۰۱۴)، درستی این جمله منوط به متولد شدن ماهی بعد از زمان بیان جمله می‌باشد. در واقع، در این جمله، بر اساس بخش نسبی زمان حال، زمان «زنده بودن ماهی» با زمان «خریدن» آن در زمان آینده (به عنوان زمان ارزیابی موضعی) همزمان است. در رابطه با بخش مطلق زمان حال انگلیسی، اگر این زمان به معنای «حال» بود و موجب همزمانی رویداد بند درونه (یعنی زنده بودن ماهی) با زمان بیان جمله می‌شد، این جمله اشتباه ارزیابی می‌شد چون همان گونه که گفتیم، مطابق نظر باری و آلتشولر (۲۰۱۴)، درستی این جمله منوط به بدنیا آمدن ماهی «بعد» از زمان بیان جمله می‌باشد. بنابراین، برای بدست دادن معنای صحیح این جمله، مفهوم «غیر گذشته» به جای مفهوم «حال» به بخش مطلق زمان حال نسبت داده می‌شود.

(13) John will buy a fish that is alive.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا در زبان فارسی، همچون زبان انگلیسی، بخش مطلق زمان حال دارای مفهوم «حال» است یا مفهوم «غیر گذشته»؟ برای پاسخ دادن به این سوال، معادل جمله (۱۳) را در زبان فارسی (یعنی مثال ۱۴) مورد بررسی قرار می‌دهیم. بررسی معنای این جمله نشان می‌دهد که زمان حال بند درونه ضرورتاً با زمان آینده بند پایه همزمان است و «در» زمان آینده «خریدن» صادق است. از این طریق می‌توان دریافت که بخش نسبی زمان حال در زبان فارسی دارای معنای «در» یا «حال» می‌باشد. در رابطه با بخش مطلق زمان حال زبان فارسی، می‌بینیم که ماهی می‌تواند و ممکن است «در» زمان حال زنده باشد یا خیر. در واقع، برخلاف جمله انگلیسی، درستی و صحت این جمله مبتنی بر زنده بودن ماهی «بعد» از زمان بیان جمله نمی‌باشد. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که بخش مطلق زمان حال در زبان فارسی به معنای «حال» است بدین معنا که زمان حال بند درونه باید نسبت به زمان بیان جمله سنجیده شود و «در» آن موقع صادق باشد نه «بعد» از آن.

(۱۴) من ماهی‌ای خواهم خرید که زنده است.

اکنون که به بررسی (غیر) اشاره‌ای بودن زمان حال در زبان فارسی و معانی بخش‌های مطلق و نسبی آن پرداختیم، در ادامه، به بررسی زمان حال در بندهای متممی و موصولی می‌پردازیم تا از این رهگذر دید جامع‌تری نسبت به این زمان در زبان فارسی بدست دهیم.

۳. زمان حال زبان فارسی در بند متممی و موصولی

در این بخش، به منظور کسب درک عمیق‌تری از معنای حال در زبان فارسی به بررسی معنای زمان حال در بند متممی و موصولی درونه شده زیر زمان گذشته (جدول (۱) و (۲)) و زمان حال در بند متممی و موصولی درونه شده زیر زمان آینده (جدول (۳) و (۴)) می‌پردازیم.

در ابتدا، به بررسی جملاتی می‌پردازیم که در آن زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته‌ای در بند پایه درونه شده است (مثال ۱۵). همان‌گونه که در بالا اشاره شد (مثال ۱۱)، در این جملات زمان حال بند درونه می‌تواند هم با زمان بیان جمله و هم با زمان گذشته بند پایه همزمان باشد و خوانش دوگانه را منتقل کند. اما در این جملات، زمان حال بند درونه می‌تواند بدون همزمان بودن با زمان بیان جمله، تنها همزمانی با زمان بند پایه را بیان کند (گذشته همزمان). این واقعیت با مثال (۱۶) به تصویر کشیده شده است. زیرا با وجود این که در ابتدای جمله ذکر شده است که مریم در زمان بیان جمله علی را دوست ندارد، باز در بند درونه از زمان حال استفاده شده است. این مسئله، همان‌گونه که در بالا در رابطه با مثال (۴) بیان شد، حاکی از اشاره‌ای نبودن زبان فارسی نیز می‌باشد. در رابطه با این مثال، مسئله دیگری که حائز اهمیت است این است که در درونی‌ترین بند این جمله علاوه بر زمان حال از زمان گذشته نیز می‌توان استفاده کرد. این مسئله بیانگر این است که در زبان فارسی علاوه بر زمان حال، زمان گذشته نیز برای بیان گذشته همزمان به کار می‌رود.

(۱۵) علی فهمید مریم دوستش دارد.

(۱۶) مریم الان اصلاً علی را دوست ندارد اما دو سال پیش او را خیلی دوست داشت و علی همان موقع فهمید که مریم او را دوست دارد.

بدلیل اشاره‌ای بودن زمان حال در زبان انگلیسی، معادل این جمله (۱۵) در زبان انگلیسی (۱۷) دارای خوانش دوگانه می‌باشند و در واقع، درستی این جمله منوط به داشتن خوانش دوگانه است. در صورتی که در زبان ژاپنی (۱۸)، بدلیل غیراشاره‌ای بودن زمان حال، چنین ساختارهایی تنها بیانگر گذشته همزمان (همزمانی با زمان گذشته بند پایه) هستند (اگیهارا، ۱۹۹۶؛ اگیهارا و شرویت، ۲۰۱۲ و غیره). تعبیر زمان حال در ساخت مذکور در سه زبان فارسی، انگلیسی، و ژاپنی به صورت خلاصه در جدول (۱) آورده شده است.

(17) John found out that Mary loves him.

(18) Taroo-wa [Hanako-ga byooki-da]-to it-ta

Taro-top Hanako-nom be-sick-pres say-past

Taro said that Hanako is sick (Ogihara and Sharvit, 2012, p. 642)

جدول ۱- تعبیر زمان حال در بند متممی درونه شده زیر زمان گذشته

فارسی	انگلیسی	ژاپنی	
بند متممی	خوانش دوگانه ممکن است اما ضروری و اجباری نیست. در صورت نداشتن خوانش دوگانه، بیانگر گذشته همزمان است	تنها دارای خوانش دوگانه است.	گذشته همزمان را بیان می‌کند.

پس از بررسی زمان حال در بند متممی درونه شده زیر زمان گذشته، اکنون به بررسی تعبیر زمان حال در بند موصولی درونه شده زیر زمان گذشته می‌پردازیم (مثال ۱۹). در این گونه جملات، زمان حال بند درونه می‌تواند با زمان بیان جمله همزمان باشد اما نمی‌تواند با زمان گذشته بند پایه همزمان باشد. در واقع، در این جملات، برای بیان همزمانی با زمان گذشته در بند پایه باید از زمان گذشته استفاده نمود (مثال ۲۰).

(۱۹) علی زنی را دید که او را دوست دارد.

(۲۰) علی زنی را دید که او را دوست داشت.

تعبیر زمان حال در بند متممی درونه شده زیر زمان گذشته در زبان فارسی همراستا و همسو با رفتار زبان انگلیسی در همین ساختار است (مثال ۲۱) (اگیهارا و شرویت، ۲۰۱۲). بنابراین، در جمله (۲۱) زمان «متنفر بودن» همزمان با زمان بیان جمله است اما نمی‌تواند با زمان رویداد «ملاقات کردن» همزمان باشد.

(21) John met a woman who hates dancing.

نکته‌ی دیگری که در رابطه با این ساختار در زبان فارسی قابل تأمل است این مسئله است که همزمان بودن زمان حال به کار رفته در بند ربطی با زمان بیان جمله دلیل بر اشاره‌ای بودن زمان حال نمی‌باشد. دلیل این امر این است که در زبان‌هایی که در اشاره‌ای نبودن زمان حال آن‌ها هیچ شکی نیست، نیز زمان حال در بند موصولی می‌تواند با زمان بیان جمله همزمان باشد. به‌عنوان مثال، اگیهارا و شرویت (۲۰۱۲) اظهار می‌دارند که در زبان ژاپنی (که دارای زمان حال غیراشاره‌ای می‌باشد) در چنین ساختارهایی، زمان حال می‌تواند همزمانی با زمان گذشته بند پایه را بیان کند (مثال ۲۲)

(22) Kodomo-no koro, Joseph-wa [ryokoo-o aisu-ru zyosei]-ni at-ta.

child-gen time, Joseph-top [travelling-acc love-pres woman]-dat meet-past

[Default reading]: Loving overlaps meeting time (but not necessarily the utterance time).

[Possible reading when appropriate adverbials are supplied]

Loving overlap the utterance time (but not necessarily the meeting time) (Ogihara and Sharvit, 2012, p. 644).

جدول ۲- تعبیر زمان حال در بند موصولی درونه شده زیر زمان گذشته

فارسی	انگلیسی	ژاپنی	
بند موصولی	تنها با زمان بیان جمله همزمان است و همزمانی با زمان گذشته بند پایه ممکن نیست	تنها با زمان بیان جمله همزمان است و همزمانی با زمان گذشته بند پایه ممکن نیست	همزمانی با گذشته بند پایه ممکن است (همزمانی با زمان بیان جمله را نیز می‌تواند بیان کند)

سومین ساختاری که بررسی آن راه را برای درک عمیق‌تر زمان حال در زبان فارسی هموار می‌کند تعبیر زمان حال در جملاتی است که در آن‌ها زمان حال در بند متممی زیر زمان آینده درونه شده است (مثال ۲۳). در این جملات، زمان حال بند درونه نباید ضرورتاً با زمان بیان جمله همزمان باشد. درست بودن مثال (۲۴) و یا امکان استفاده از زمان حال در درونی‌ترین بند این جمله ادعای فوق را به اثبات می‌رساند چرا که با وجود این که در بند اول این جمله به وضوح ذکر شده است که در زمان بیان مریم علی را دوست ندارد، در درونی‌ترین بند این جمله زمان حال استفاده شده است. در این جمله، زمان حال برای بیان همزمانی «دوست داشتن» با زمانی است که بلافاصله آن را سازه‌فرمانی می‌کند (یعنی «فهمیدن») به کار رفته است.

(۲۳) علی خواهد فهمید که مریم او را دوست دارد.

(۲۴) مریم الان علی را دوست ندارد اما علی اینقدر پسر خوبی است که مریم کم‌کم عاشق او می‌شود و علی خواهد فهمید که مریم او را دوست دارد.

در تعبیر این گونه جملات که در آن‌ها زمان حال در بند متممی زیر زمان آینده درونه شده است، زبان انگلیسی و ژاپنی (۲۵) رفتار یکسانی را از خود نشان می‌دهند و زمان حال به کار رفته در بند متممی می‌تواند با زمان آینده بند پایه همزمان باشد (اگیهارا و شرویت، ۲۰۱۲).

- (25) 2020-nen-ni, (Mary-wa Joseph-o aisi-te i-te),
2020-year in, Mary-top Joseph-acc love-prog-and
kare-wa [kanozyo-ni ai-sare-te i-ru-to] wakarū-daroo.
he-top she-dat love-pass-prog-pres-that understand.pres-perhaps
“In 2020, (Mary will love Joseph and) he will find out that he is being loved by her.”
(Ogihara and Sharvit, 2012, p. 643).

جدول ۳: تعبیر زمان حال در بند متممی درونه شده زیر زمان آینده

فارسی	انگلیسی	ژاپنی	بند متممی
همزمانی با زمان بیان جمله ضروری و اجباری نیست و می‌تواند تنها با زمان آینده‌ی بند پایه همزمان باشد	زمان حال بند درونه می‌تواند با زمان آینده‌ی بند پایه همزمان باشد	زمان حال بند درونه می‌تواند با زمان آینده‌ی بند پایه همزمان باشد	

در ادامه به بررسی جملاتی می‌پردازیم که در آن‌ها زمان حال در بند موصولی زیر زمان آینده درونه شده است (مثال ۲۶). در این گونه جملات، زمان حال درون بند موصولی می‌تواند با زمان جمله بیان همزمانی و همپوشانی داشته باشد (مثال ۲۷) و یا نداشته باشد (مثال ۲۸) اما ضرورتاً باید با زمان آینده در بند پایه همزمان باشد و این مسئله توسط مثال (۲۹) که خوانش صحیحی از جمله (۲۶) نیست به اثبات می‌رسد. زبان‌های انگلیسی (مثال ۳۰) و ژاپنی (مثال ۳۱) در این ساختارها رفتار مشابهی از خود نشان می‌دهند به گونه‌ای که زمان حال بند موجود در بند موصولی می‌تواند با زمان آینده همزمان باشد.

(۲۶) علی زنی را خواهد دید که او را دوست دارد.

(۲۷) علی سال آینده زنی را خواهد دید که الان او را دوست دارد.

(۲۸) علی زنی را خواهد دید که الان او را دوست ندارد اما در آینده در زمان ملاقات کردن او را دوست دارد.

(۲۹) *علی دو سال دیگر زنی را خواهد دید که الان او را دوست دارد اما در آینده در زمان ملاقات او را دوست ندارد.

(30) John will meet a woman who loves him.

(31) Tyuunen-ni nat-te kara, Joseph-wa yat-to tabi-o
middle-age-dat become-from Joseph-top finally travelling
love-pres woman-dat meet-probably
[Default reading] Loving time overlaps the meeting time (but not necessarily the utterance time).
(Ogihara and Sharvit, 2012, p. 644).

جدول ۴: تعبیر زمان حال در بند موصولی درونه شده زیر زمان آینده

فارسی	انگلیسی	ژاپنی
بند موصولی ضرورتاً با زمان آینده در بند پایه همزمان است اما با زمان بیان جمله می‌تواند همزمان نباشد.	می‌تواند با زمان آینده در بند پایه همزمان باشد.	می‌تواند با زمان آینده در بند پایه همزمان باشد.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی (غیر) اشاره‌ای بودن زمان حال زبان فارسی پرداخته شد. معیار اشاره‌ای بودن زمان حال این است که در ساخت‌هایی که زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته درونه شده است، ضرورتاً به زمان بیان جمله ارجاع داشته باشد و با آن همزمان باشد. نشان داده شد که زمان حال در زبان فارسی برخی از ویژگی‌های زمان حال اشاره‌ای برخی از ویژگی‌های زمان حال غیراشاره‌ای را دارد. در واقع، در ساخت‌هایی که زمان حال در بند متممی زیر زمان گذشته به کار می‌رود، ممکن است همزمانی با زمان بیان جمله را بیان کند و دارای خوانش دوگانه باشد و از این طریق رفتاری مشابه با زمان‌های حال اشاره‌ای همچون زمان حال زبان انگلیسی را داشته باشد. در مورد رفتار غیراشاره‌ای زمان حال می‌توان به استفاده از زمان حال در جملات دارای بند «قبل» یا به جملاتی همچون جملات (۲) و (۳) اشاره کرد که در آن‌ها زمان حال تنها با زمان بند پایه همزمان است.

به علاوه، خوانش مطلق و نسبی زمان حال تعریف شد و بیان شد که زمان حال هنگامی که نسبت به زمان بیان جمله ارزیابی می‌شود دارای خوانش مطلق می‌باشد و هنگامی که با زمانی غیر از زمان بیان جمله ارزیابی می‌شود دارای خوانش نسبی می‌باشد (استول، ۲۰۰۷؛ هاتاوا، ۲۰۱۲). سپس، نشان داده شد که زمان حال در زبان فارسی دارای خوانش‌ها و بخش‌های مطلق و نسبی می‌باشد چرا که در برخی بافت‌ها با زمان بیان جمله (همچون مثال (۱۲)) و در برخی بافت‌ها نسبت به زمانی غیر از زمان بیان جمله ارزیابی می‌شوند (همچون مثال (۲)). همچنین، به این نتیجه رسیدیم که دو خوانش مطلق و نسبی زمان حال زبان فارسی دارای معنای «حال» یا «درون» می‌باشند.

از دیگر مواردی که در این پژوهش به آن پرداخته شد تعبیر زمان حال در ساختارهایی بود که زمان حال در آن‌ها در بند متممی یا موصولی زیر زمان گذشته و یا آینده درونه شده‌اند. بررسی زمان حال زبان فارسی در این ساختارها نتایج

زیر را بدست داد: در ساخت‌هایی که زمان حال در بند متمم زیر زمان گذشته درونه شده است، خوانش دوگانه ممکن اما ضروری نیست، در ساخت‌هایی که زمان حال در بند موصولی زیر زمان گذشته درونه شده است، زمان حال ضرورتاً به زمان بیان ارجاع دارد و با آن همزمان است، در ساخت‌هایی که در آن‌ها زمان حال در بند متممی زیر زمان آینده درونه شده است، زمان حال می‌تواند با زمان آینده در بند پایه همزمان باشد بدون اینکه با زمان بیان جمله همپوشانی داشته باشد، در ساخت‌های که زمان حال در بند موصولی زیر زمان آینده درونه شده است، زمان حال ضرورتاً باید با زمان آینده در بند پایه همزمان باشد و ممکن است با زمان بیان جمله همزمان باشد یا خیر.

کتابنامه

- دستلان، مرتضی؛ محمدابراهیمی، زینب؛ مهدی بیرقدار، راضیه؛ روشن، بلقیس. (۱۳۹۴). زمان دستوری در زبان فارسی؛ نگاهی نو بر پایه ی یک الگوی شناختی آرمانی. *تازه‌های علوم شناختی*. ش ۶۵. صص ۳۵-۴۵.
- عموزاده، محمد؛ رضایی، حدائق. (۱۳۹۱). بررسی مفاهیم وجهی زمان دستوری در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*. ش (۴). صص ۵۳-۷۶.
- Abusch, D. (1997). Sequence of tense and temporal de re, *Linguistics & Philosophy* 20, 1–50.
- Altshuler, D. (2016). *Events, states, and times: An essay on narrative discourse in English*, Berlin: De Gruyter.
- Bary, C. and Altshuler, D. (2014). Double Access. In *Proceedings of Sinn und Bedeutung*. Edited by Eva Csipak and Hedde Zeijlstra 89–106. Göttingen: LinG.
- Comrie, B. (1985). *Tense* Cambridge: Cambridge University Press.
- Demirdache, H, and Uribe-Etxebarria, M. (1997). The syntax of temporal relations: A uniform approach to tense and aspect. In *Proceedings of the Sixteenth West Coast conference on Formal Linguistics*. Edited by Emily Curtis, James Lyle, and Gabriel Webster 145-159. California: CSLI publications.
- Demirdache, H, and Uribe-Etxebarria, M. (2007a). The syntax of time arguments, *Lingua* 117, 330–366.
- Demirdache, H, and Uribe-Etxebarria, M. (2007b). Economy constraints on temporal subordination, In *Recent advances in the syntax and semantics of tense, mood and aspect: Trends in linguistics*. Edited by Louis de Saussure, Jacues Moeschler, and Genoveva Puskas 169–192. Berlin: De Gruyter Mouton.
- Enç, M. (1987). Anchoring conditions for tense, *Linguistic Inquiry* 18, 633–657.
- Grønn, A, and von Stechow, A. (2011). Tense in subjunctive conditionals across languages, Ms. Thesis, University of Oslo: Oslo.
- Grønn, A, and von Stechow, A. (2013). Tense in adjuncts, *Language and linguistic compass* 7(5), 311-327.
- Hatav, G. (2010). Relative and absolute tense interpretation in Modern Hebrew, *Hebrew Studies*, 51, 261-285.
- Hatav, G. (2012). Bound tenses. In *the Oxford Handbook of Tense and Aspect*. Edited by Robert Binnick 611- 637. Oxford: Oxford university Press.
- Kaplan, D. (1977). Demonstratives, Ms. Thesis, UCLA: Los Angeles, CA.
- Klein, W. (1994). *Time in Language*, London: Routledge.
- Komeijani Farahani, A. (1990). A syntactic and semantic study of the tense and aspect system of modern persian. Ph.D. dissertation. The University of Leeds.

- Ogihara, T. (1995a). The semantics of tense in embedded clauses, *Linguistic Inquiry* 26, 663–679.
- Ogihara, T. (1995b). Double-access sentences and reference to states, *Natural Language Semantics* 3, 177–210.
- Ogihara, T. (1996). *Tense, Attitudes, and Scope*, Dordrecht and New York: Kluwer Academic Publishers.
- Ogihara, T, and Y. Sharvit. (2012). Embedded tenses. In *the Oxford Handbook of Tense and Aspect*. Edited by Robert Binnick 638–668. Oxford: Oxford university Press.
- Partee, B. (1973). Some structural analogies between tenses and pronouns in English, *The Journal of Philosophy* 70, 601-609.
- Reichenbach, H. (1947). *Elements of symbolic logic*, Berkeley, CA: University of California Press.
- Schlenker, P. (1999). Propositional attitudes and indexicality. Ph.D. dissertation, MIT.
- Schlenker, P. (2003). A plea for monsters, *Linguistics and Philosophy*, 26, 29-120.
- Sharvit, Y. (2003). Embedded tense and universal grammar, *Linguistic Inquiry*, 34, 669-681.
- Sharvit, Y. (2014). On the universal principles of tense embedding: the lesson from before, *Journal of semantics* 31(2), 263-313.
- Sharvit, Y. (2018). Sequence of tense: syntax, semantics, and pragmatics. In *Pronouns in Embedded Contexts at the Syntax-Semantics Interface*. Edited by Pritty Potel-Grosz, Patrick Georg Grosz, and Sarah Zobel 215-247. Berlin: Springer.
- Smith, C. (1978). The syntax and interpretation of temporal expressions in English. *Linguistics and Philosophy* 2(1), 43-100.
- Stowell, T. (1995a). The phrase structure of tense. In *Phrase Structure and the Lexicon*. Edited by Johan Rooryck and Laurie Zaring 277–291, Dordrecht: Kluwer Publications.
- Stowell, T. (1995b). What is the meaning of the present and past tenses? In *Temporal Reference, Aspect and Actionality: Semantic and syntactic perspectives*. Edited by Pier Marco Bertinetto, Torino: Rosenberg and Sellier, 381–396.
- Stowell, T. (2007). The syntactic expression of tense, *Lingua* 117(2), 437–463.
- Tavangar, M. and Amouzadeh, M. (2009). Subjective modality and tense in Persian, *Language Sciences* 31, 853-873.
- Zagona, K. (1990). Temporal argument structure. Paper presented at the “Time in Language” conference, Cambridge, Mass: MIT. April, 1990.
- Zagona, K. (2004). Measuring out complement clause tense, *Probus*, 16, 273-315.
- Zagona, K. (2014). Tense, aspect and modality. In *Encyclopedia of Generative Syntax*. Edited by Marcel den Dikken, 746-792. Cambridge: Cambridge University Press.